

**سرمایه ریاض**  
**منظومه در پاسخ هفت بند مولانا حسن کاشی**  
**سروده: میرزا علی روضه خوان تبریزی**  
**تحقیق: ابوالفضل مرادی رستا<sup>۱</sup>**

**چکیده**

افزون بر نام آوران ادب فارسی، سرایندگان هستند که در اقصا نقاط این جهان پهناور با همت و هنر خویش بر گستره و اوج شعر فارسی افزوده اند، شبه قاره هند با ویژگی های اجتماعی و سیاسی و اقلیمی خویش نقش بسزایی در فراهم آوردن بستر مناسب برای نشو و نمای شاعران فارسی زبان بوده است. اغلب سرایندگان شعر فارسی، گمنام و ناشناخته مانده اند. یکی از پارسی تباران شبه قاره حکیم میرزا علی ابن مرحوم مهدیعلی مشهور به روضه خوان تبریزی، زنده در سال ۱۳۲۷ ق است. این پژوهش بر آن است تا ضمن معرفی اجمالی این سلاله پاک مام میهن در دیار غربت، به بخشی از شعر و هنر آیینی یعنی احیای یکی از جوایه های هفت بند کاشی با عنوان «سرمایه ریاض» بپردازد. در نتیجه این پژوهش، برای نخستین بار نام این شاعر بزرگ در پژوهش های میراث مکتوب این سرزمین به ثبت رسیده و یکی از جوایه های ارزشمند از هفت بند میرزا حسن کاشی معرفی می گردد.

**کلید واژه:**

ادبیات فارسی، میرزا علی تبریزی، سرمایه ریاض، ملاحسن کاشی، هفت بند

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس آیت الله طالقانی قم.

## مقدمه

یافتن جوابیه‌های هفت‌بند که در پاسخ به هفت‌بند مولانا حسن کاشی سروده شده است، لحظه به لحظه و مرحله به مرحله، زیباتر و جذاب‌تر می‌شود. وقتی اولین تحقیق‌ها در این زمینه به چاپ می‌رسید، شاید گمان بر این بود که با همان یافته‌ها، کار این عرصه به نهایت رسیده است (هندی، ۱۳۸۸) و یا بعدها وقتی در تحقیقاتم در میراث‌کهن چاپ‌های شبه‌قاره، نمونه‌های افزون‌بر یافته‌های مرحوم سعید هندی یافتیم، می‌اندیشیدم که با یکی دو مقاله، نواقص پژوهش این عرصه بر طرف شده و کار ناتمام را کامل کرده‌ام (سبعه‌سیاره در جواب هفت‌بند کاشی، ۱۳۹۲ش)، اما اکنون هرچه در این عرصه پیش می‌روم، نویافته‌های زیبا و جذابی از هفت‌بند سرایی در ادب پارسی به دست می‌آورم؛ به بهانه این پژوهش، باز هم یافته‌ای جدید از زلال برکه‌ای ماه‌نشان که سرچشمه ناب آن سروده ماندگار مولانا حسن کاشی است و اینک سرمایه ریاض و سراینده آن میرزا علی روضه‌خوان تبریزی:

### ۱- اهمیت پژوهش

شاعرانی گرانقدر در اقصا نقاط جهان بویژه شبه‌قاره قدم به عرصه گیتی نهاده، با خلاقیت و غنای طبع شاعرانه خویش، بر چشم اندازهای سبز و شاد و فرازمنند ادب فارسی افزودند و همواره با بهره‌گیری از معارف ناب اسلامی و تأثیرپذیری فرهنگ بلندآوازه ایرانی کام‌جان مخاطبان را سیراب نمودند. بر پژوهشگران است تا با تحقیق در نسخه‌های خطی و شناسایی و پژوهش در زندگی و شعر شاعران فارسی سرا در دوره‌های گذشته، بر گستره و قلمروی شعر فارسی افزوده و زمینه شناخت هرچه بیشتر آن را فراهم نمایند.

این مقاله از یک سو معرفی یکی از جوابیه‌های هفت‌بند مولانا حسن کاشی را که به عنوان نمادی عطرآگین و خاطره‌انگیز از شعر شیعی است، مورد توجه قرار داده و از سوی دیگر یکی از سراینندگان ایرانی که در هیچ مجموعه‌ای از تذکره‌ها و سرگذشت‌نامه‌های شاعران فارسی در داخل و خارج از ایران، نامی از وی، مشاهده نشده است، معرفی می‌نماید. در واقع به بهانه این پژوهش، صفحه‌ای درخشان از تلاش شاعران فارسی سرای هند نیز، مورد شناخت و توجه قرار گرفته است که در آن، پیکر تراشان عرصه شعر و ایمان، سعی در بسط و

اشاعه فرهنگ و معارف شیعی داشته اند. و این نشان دهنده کانون گرمی بوده است، که در هند در زمان سرایش این شعر در یکی از شهرهای هند برقرار بوده است. و باز این پژوهش باعث گردیده است که رجال و بزرگان سیاسی اجتماعی و مذهبی که بر هفت بند سرمایه ریاض سروده میرزا علی تبریزی، تقریظ و تحسین نوشته اند و به گونه ای وابسته به این اثر بوده اند، در ضمن این مقاله، مورد توجه و یادکرد، قرار گیرند.

## ۲- پیشینه پژوهش

جاودانه هفت بند میرزا حسن کاشی که خود نشانه هایی از اقتفای قصاید خاقانی دارد، در دهه های آغازین قرن هشتم هجری قمری پایه گذار یک بنای ماندگار در ادب فارسی گردید. (کاشی، ۱۳۸۹ش ص. ۳۸) این هفت اختر تابناک ادب فارسی، مسند نشینان یک صورت فلکی تابناک و بی محاق هستند که همیشه راهنمای سرایندگان مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام بوده و بارها مورد توجه و پیروی شاعران بسیار در دوره های مختلف، قرار گرفته اند. و به خاطر فاخر بودن سروده های هفت بند، پژوهش در این زمینه نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

گاهی هر یک از این جوابیه ها به صورت مستقل مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یک مقاله ای کامل، به چاپ رسیده است (سبعه سیاره در جواب هفت بند کاشی، ۱۳۹۲ش) و زمانی نیز تعدادی از این جوابیه ها در یک اثر جمع آوری شده و با عنوان هفت بند هفتاد بند به چاپ رسیده است و در آن سیزده جوابیه و اقتفا و تضمین هفت بند کاشی مورد پژوهش قرار گرفته است. (هندی، ۱۳۸۸) اما جوابیه حاضر که در این پژوهش مورد تحقیق و شناسایی، قرار گرفته است، بعد از چاپ آن در سال ۱۳۲۹ قمری در هند، تاکنون در هیچ پژوهشی، چه به صورت مستقل و چه به صورت مجموعه، مشاهده نشده است.

یکی از منابع ارزشمند در کهن چاپ های شبه قاره و از پژوهش های به انجام رسیده در آثار چاپ سنگی فارسی، کتاب فهرست کتاب های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش است. با بررسی این اثر ارزشمند، نامی از سرمایه ریاض سروده میرزا علی روضه خوان تبریزی دیده نشد. (نوشاهی، ۱۳۶۹ش)

اثر مستقل ارزشمندی دیگر در خصوص چاپ سنگی در شبه قاره هند که از اهمّ منابع پژوهشی در این زمینه است، کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره از عارف نوشاهی می باشد. با بررسی این اثر آشکار گردید که نامی از سرمایه ریاض، موجود نیست، و محقق گرامی این رساله را مشاهده نکرده است. (نوشاهی، ۱۳۹۱ش) در اثر دیگری که مستقیماً در خصوص کهن چاپ های شبه قاره، تألیف نشده است ولی همواره یکی از منابع ارزشمند و مورد مراجعه محققین در شناسایی آثار چاپی فارسی بوده است یعنی فهرست مشار نیز نامی از این رساله و سراینده آن، برده نشده است. (مشار، بی تا)

از سوی دیگر سرمایه ریاض در کتاب تالیفات شیعه که مجموعه ۱۲۵۰۰ اثر چاپی را در شبه قاره هند مورد پژوهش و معرفی قرار داده است، مورد بررسی و تحقیق، قرار نگرفته است و معرفی نگردیده است. (نقوی امروهی، ۱۳۸۴ش)

نخستین و تنها معرفی این اثر در کتاب میراث مشترک ایران و هند و در جلد سوم آن، ذیل شماره ۱۴۲۰/۲ ضمن معرفی رساله دوم در مجلد فوق، بدین ترتیب معرفی شده است: «هفت بندی که شاعر در مدح حضرت پیامبر (ص) و امیر المؤمنین (ع) سرده است» (صدرایی خویی، و غیره، ۱۳۹۲ش، ص ۳۹۷ ج ۳) این پژوهش، نخستین قدم در بازشناسی و معرفی این هفت بند با عنوان سرمایه ریاض در عرصه علمی- پژوهشی می باشد.

## ۲-۱- نسخه چاپ سنگی سرمایه ریاض:

این نسخه که در گنجینه ارزشمند کتاب های چاپ سنگی هند در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی قم به شماره ۱۴۲۰/۲ نگهداری می شود، در ضمیمه رساله ادبی دیگر با عنوان گلشن سلیمانیه صحافی شده و نگهداری می شود. سرمایه ریاض در مطبوعه رحمانی در شهر بمبئی هند به تاریخ ۱۳۲۷ ق در ۸ صفحه و در اندازه ۲۲\*۱۴ و تعداد سطور ۲۳ به چاپ رسیده است. این اثر به اهتمام اکبر حسین اکبر بن صادق علی شاگرد مصنّف کتاب یعنی سراینده آن به طبع رسیده و کاتب و تاریخ کتابت این اثر، شناخته شده نیست و بر فراز صفحه عنوان، عبارت «ان من الشعر لحکمة وان من البیان سحر» درج گردیده است. بخش ارزشمند این اثر، تقریظ هایی است که توسط شخصیت های نام آشنای علمی ادبی اجتماعی آن زمان در شبه قاره، به شرح زیر ثبت گردیده است:

- تقریظ سید ذاکر حسین بن حکیم سید احمد حسین
  - تقریظ سید علی حایری لاهوری
  - تقریظ سید محمد علی داعی الاسلام
  - تقریظ احمد علی موهانی
  - ماده تاریخ از سید محمد لایق امروهی. (صدرایی خوبی، و غیره، ۱۳۹۲ش ص.
- (۳/۳۹۷)

### ۳- مروری بر ادبیات پژوهش

عرصه چاپ سنگی در هند، به عنوان بستری برای تحقیق و بررسی مورد توجه بوده و از سوی دیگر هفت بند مولانا حسن کاشی به عنوان یک اثر درخشان در ادبیات فارسی شیعی؛ همچون پژواک و طنین ماندگار در ادب فارسی که از ضمیری ناب، جاری و هویدا گشته و در دوره های گوناگون، مورد توجه شاعران قرار گرفته و جوابیه های گوناگونی برای آن سروده شده است. اینچنین به نظر می رسد که شاعران بویژه در شرایطی که نیازی به تبلیغ برای شیعه بوده است، به عنوان یک نماد جوابیه ای برای هفت بند کاشی می سروده اند.

در این پژوهش میرزا علی روضه خوان تبریزی، به عنوان سراینده این هفت بند نیز، بخش مهمی از پژوهش را به خود اختصاص داده است. برای شناخت هرچه دقیق تر از زندگانی سراینده این هفت بند، بازنگری در محل زندگانی وی و شناخت هرچه بیشتر کسانی که با تنیده شدن نامشان با نام شاعر، باعث شناخته شدن هرچه بیشتر وی شدند. و همچنین، بازخوانی و احیای هفت بند سرمایه ریاض نیز، برای ثبت در حافظه مکتوب این مرز و بوم، نیز در این مقاله، جایگاه خاصی یافته است.

#### ۳-۱- میرزا علی روضه خوان تبریزی سراینده هفت بند

شاعر این هفت بند آنچنان که در صفحه عنوان چاپ سنگی، معرفی شده است «حکیم مرزا علی ابن مرحوم مهدیعلی عرف نئی مرزا روضه خوان، تبریزی اصلاً و کهمبایتی موطناً» این کلمات، تمام چیزی است که در معرفی شناسنامه ای و زندگانی وی در بدو امر، در دسترس ما بوده است.

این که نام وی میرزا علی فرزند مرحوم مهدی علی مشهور به ننی میرزا و شغل وی روضه خوانی بوده است و اصالتاً تبریزی بوده است، این بدین معناست که اصل و نسب وی تبریزی است ولی مولد و زادگاه وی هند بوده است.

در تذکره ها و در کتاب های دیگر، نشانی از وی یافت نشد. آنچه در بررسی ابیات اندک که از او داریم (هفت بند سرمایه ریاض)، سعی داشتیم چهره ای دقیق تر او ترسیم نماییم. کلمه میرزا نشان دهنده صبغه علمی و دینی است که با وی همراه بوده است، کلمه ننی نیز نشان از نگاه عارفانه ای بوده است که همعصرانش به او داشته اند، برگزیدن تخلص میرزا نیز، این نشان را از سوی خود شاعر مؤکد نموده است.

قرار دادن صفت حکیم در ابتدای نام او از سوی تقریظ نویسان و همچنین در صفحه عنوان می نمایاند که اهل علم و حکمت و دانش بوده است. از واژه «روضه خوان تبریزی» علاوه بر شغل و شهرت وی در اجتماع، تصریح شده است که او تبریزی الاصل است و از تبار تبارزه در شبه قاره است.

برای ما روشن است که در زمان سرودن این شعر یا در زمان نشر این هفت بند یعنی در سال ۱۳۲۹ ق در کهمبایتی زندگی می کرده است. توصیف با عبارت های «جناب معارف نصاب ادیب اریب، آقا میرزا علی وفقه الله تعالی»، نشانگر مقام ادبی شاعر است که از سوی شخصیت ادیب و سخندان و سخن شناسی همچون داعی الاسلام، به ثبت رسیده است.

### ۳-۱-۲- موروثی بودن مدح اهل بیت در خاندان شاعر

آنچنان که سراینده در اثنای هفت بند در واپسین ابیات بند چهارم می گوید پیش از وی، خاندان او نیز به امر فحیم مداح و منقبت اهل بیت علیهم السلام اهتمام داشته اند و این امر در خاندان وی، موروثی بوده است:

نیک می دانی که ز آبای سلف تا این خلف

بوده ام مدحت سرای خاندان مصطفی

### ۳-۱-۳- تاریخ سرودن این هفت بند

تاریخ سرایش هفت بند سرمایه ریاض، مطابق با ماده تاریخ «مظهر عزّ و علا» و بنا بر عدد نویسی همین ماده تاریخ در نسخه چاپی، ۱۳۱۹ ق می باشد:

در فکر سالش ای قوی، چون مبتلا شد قلب ما  
از «مظهر عزّ و علا» ظاهر شده تاریخ این

### ۳-۱-۴- رنج و مشکلات زندگی شاعر

آنچنان که از فحوای هفت بند بر می آید، شاعر در هنگام سرودن هفت بند، گرفتار مشکلات روزگار بوده است و گله از بی وفایی روزگار و شکوه از مشکلاتی دارد که به بیان او از هر سو برگرددش حلقه زده، و شاعر را در فشار و سختی، قرار داده است. در پایان بند چهارم چنین می آورد:

زین جهت بیرنگ گردیده است رنگ روی من  
گردش گردون دون، حلقه زده هر سوی من

### ۳-۱-۵- کهمابیت یکی از فرهنگ شهرهای شیعی هند

ولایت کهمبایت Khambhat و با عنوانی دیگر Cambay که با نام های کمبایت، کنبایت، کهنبایت و همچنین با نام های نزدیکتر کامبی و کمبی و کامبات نیز، در گذشته به ثبت رسیده است (نصیری، ۱۳۸۷ ص. ۵۵۱/۲) در کنار شهرهایی چون انکلسر، نوساری و ریاد جزو اولین ولایتی است که در غربی ترین نقطه از جنوب غربی هند، در مجاورت مرز پاکستان، پذیرای مهاجران ایران به هند بوده است. بر این اساس، نخستین مهاجرین خراسانی که دارای دین زرتشتی بوده اند، بعد از اسلام به این شهرها مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شده اند. آنچنان که وقتی مسلمانان فاتح به این مناطق رسیدند، یعنی نیمه های دوم قرن پانزده میلادی، حدود پانصد سال و بنا بر بعضی اقوال ۷۰۰ سال بوده است، که ایرانیان مهاجر زرتشتی در این مناطق می زیسته اند (قصه سنجان تاریخ فرضی مهاجرت پارسیان از خراسان به هند، آبان ۱۳۶۱ ص. ۲۶۸)

### ۳-۱-۶- سرسبزی و خرمی و رونق اقتصادی کهمبایت در نگاه سفرنامه نویسان

شادابی و خرمی و همچنین رونق اقتصادی و بازار در خطه کهمبایت، در رغبت شدید مهاجران به سکونت در آن، بی تأثیر نبوده است. شاید قدیمترین سفرنامه ای که نام و توصیف کهمبایت در آن به ثبت رسیده، سفرنامه مارکوپولو تاجر ونیزی (وفات ۱۳۲۴م / ۷۲۴ ق) می باشد؛ در توصیف وی، سرزمین کامبات در سوی باختر، قرار گرفته و شاه ویژه ای بر آن حکومت می کند؛ مردمانش نیز به زبان بخصوصی صحبت می کنند و بت پرستند ... در کهمبایت، بازرگانی رونق فراوان دارد و تولید بوکرامی و پنبه چندان چندان زیاد است که آن را به دیگر ایالات هم صادر می کنند. بازرگانان با کشتی های انباشته از کالا از قبیل: طلا، مس و فرآورده های دیگر به این سرزمین می آیند و به خرید و فروش می پردازند. (پولو، زمستان ۱۳۶۳ ص. ۳۱۰)

سفرنامه ابن بطوطه (وفات ۱۳۷۷ م / ۷۷۹ ق) نیز توصیفی از کهمبایت دارد؛ وقتی وی همراه با سفیران اوخانتو خان، شاهنشاه منگول چین در سال ۱۳۴۱ م به کهمبایت گجرات سفر می کند، بیش از هرچیز، آنچه نگاه این سیاح مسلمان را به خود، جلب می نماید سرسبزی و شادابی و خرمی آن خطه است (صفوی، ۱۳۹۳ ش ص. الف ق)

### ۳-۱-۷ محل سکونت شاعر از زبان خودش

اطلاعات زیادی از زندگانی شاعر، چگونگی سفر به هند و یا متولد شدن در هند و دوره های سکونت وی در دست نیست؛ اما می دانیم که میرزا در زمان سرودن شعر خود را ساکن شهری به نام «کهماچ» معرفی می کند که یکی از شهرهای ولایت کهمبایت و گجرات است:

کشور این هند را شهری بود کهماچ نام  
 داروی عیسی بن مریم که به دردش می خورد  
 میرزا در آن به جان و دل ثناخوان شماست  
 در خور درد دلش گر هست درمان شماست



رابطه بین آذربایجان و کهماچ در تاریخ ادب و فرهنگ پیش از میرزا علی تبریزی، توسط مولانا محمد حسین کهماچی (۱۲۳۳ق-۱۲۹۲ق) ایجاد شده است، یکی از تبار ایران و آذربایجان که شهرتش را با نام کهماچ گره زده است. وی حسین بن محمد علی بن محمد بیگ بن آقا علی نقی لکهنوی، از قبیله ترک قراقلو افشار می باشد. محمد علی پدر مولانا کهماچی از ارومیه به کهماچ مهاجرت نموده و از آنجا به دهلی مسافرت می نماید و از آنجا در زمان نواب آصف الدوله به لکهنو رفته و در آن شهر ازدواج نموده و آقا محمد حسین کهماچی در سال ۱۲۳۳ق در لکهنو به دنیا آمد و از این رو به آقا محمد حسین کهماچی مشهور شده است. (صدر الافاضل، ۱۳۷۴ش ص. ۵۴۱)

#### ۴- چهره سراینده و ارزش های ادبی- معنوی اثر در تقریظات

بخش بسیار ارزشمند و مهم این رساله، تقریظاتی است که از سوی شخصیت های گوناگون، بر آن نوشته شده است و خوشبختانه، بنا بر سنت معهود ناشران آن عصر به تفصیل، مورد توجه قرار گرفته و در ضمیمه این هفت بند به چاپ رسیده است. این تقریظات تنها مستنداتی است که ما را نسبت به زندگانی و پایگاه اجتماعی شاعر، آشنا می سازد. این نوشته ها، حاوی اطلاعاتی ارزشمند در باره جایگاه شاعر در جامعه نخبگان هم عصر خود و میزان توجه شخصیت ها و نخبگان به شعر فارسی و سروده های مذهبی و آیینی، و همچنین چهره و انگاره ای از شاعر در نزد تقریظ نویسان می باشد. اکنون این تقریظات را به اجمال، مورد توجه قرار می دهیم:

\*\*\*

#### ۴-۱ تقریظ سید ذاکر حسین بن سید احمد حسین

سید ذاکر حسین پسر سید احمد حسین از فرهیختگان نام آشنای فرهنگ و ادب هند است، در نقباء البشر و اعلام الهند به عنوان شخصیتی اهل فضل و ادب و علم معرفی شده است. (طریحی، ۲۰۰۸ ص. ۵۶۳/ج ۱) آنچنان که در بیان القاب تقریظ نویس سید ذاکر حسین، وی از عالمان و دانشمندان عصر خویش و طیب خاص نجم الدوله ممتاز الملک والی ولایت کهمبایت معرفی شده است:

«تقریظ چکیده قلم عالم اکمل و فاضل اجل حکیم صمیم و طیب و لیب نور عین حکیم سید احمد حسین السید ذاکر حسین لکهنوی موطن کهبایتی مسکنا طیب خاص جناب مستطاب نجم الدوله ممتاز الملک نواب میرزا جعفر علیخان صاحب بهادر دام اقباله والی ریاست کهبایت». (بن مهدی علی، ۱۳۲۷ق)

نجم الدوله یا نجیب الدوله ممتاز الملک از حاکمان حکومت شاهزادگان محلی نجم ثانی در کهبایت به عنوان یک حکومت شیعی شناخته شده اند و ممتاز الملک نواب میرزا جعفر علیخان که والی ریاست کهبایت بوده است، یازدهمین والی این حکومت از سال ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۵ م حکومت داشته است.

سید ذاکر حسین پس از جمالاتی که در باره موسیقی شعر و عروض و اهمیت آن در سرودن شعر و همچنین الهام شاعرانه و بهره مندی از صنایع بدیع و فصاحت و بلاغت می آورد، مصداق کامل این گونه شعر را هفت بند میرزا می داند و می آورد:

«چنانچه دلیل صداقت این قلیل البضاعه، هفت بند حکیم میرزا علی متخلص به میرزا ساکن شهر کهبایت کافی و وافی هست، که با وجودی که در همان قوافی شعرای کملائی ماضی مثل مقبل و کاشی علیهما الرحمه بلند تلاشی فرموده اند و ابواب هنر و فن مهما امکن بر روی استادان زمن گشوده اند، نگر همان اعتضاد اعتقاد مثل خورشید درخشان است که کلام این ذی شان به کلام اوشان پهلو زنان است و همان اثر خداد است که با وجود اختلاف طبایع و افتراق صنایع و بدیع، دلنشین هر سخنور سخنران است (بن مهدی علی، ۱۳۲۷ق ص. ۷)

#### ۴-۲ تقریظ آقا سید علی حایری لاهوری

دانشمند، فقیه و مفسر شیعی سید علی حایری لاهوری رضوی قمی فرزند مفسر و مجتهد نام آور شبه قاره صاحبان آثار ارزشمند و پدر و فرزند هر دو از اندیشه سازان و فرهنگ پیشگان آن مرز و بوم هستند. (صدرایی خوبی، و غیره، ۱۳۹۲ش ص. ۲۸/ج ۲)

تأیید و تقریظ یک مرجع و شخصیت نام آور مذهبی، هم نشان دهنده عنایت و توجه علما و مراجع به شعر آیینی و هم در بردارنده برکات بسیار برای معرفی اثر در بین مردم بوده است. عنوان ها و القابی که برای این عالم شیعی آمده است بسیار حایز توجه می باشد: «تقریظ

از حضور پر نور شمس الاسلام، مرجع الاعلام، بدر التمام، كهف الارامل و الايتام، نور اللیالی و الايام، سرکار شریعتدار، سلطان العلماء، مجتهد العصر آقا سید علی الحائری ثم اللاهوری مدّ ظلّه» (نتی میرزا، ۱۳۲۷ق ص. ۷)

در جملاّتی که از سوی آقا سید علی حائری لاهوری در خصوص این سروده، نکات قابل تأملی مشاهده می گردد، این که تأیید این سروده که از افراط ها و تقریظ های جامعه متلاطم دینی، بویژه در چالش ها و اختلافات اندیشه های امامی و اهل سنت به دور است و این که مداحان باید در مجالس از این گونه سروده ها استفاده نمایند و این که خواندن این اشعار پیامد ثواب و پاداش اخروی دارد و این ها همه نکات قابل تأملی است که در تقریظ ایشان آمده است:

«باسمه سبحانه، الحمد لله علی نواله والصلوة علی محمد وآله؛ اما بعد، این وجیزه نافع را شنیدم و از افراط و تقریظ مبرّا دیدم، انشاء الله قابل آن است که مداحان حضرات ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین در مجالس متبرکه خوانده ثواب دارین حاصل نموده باشند. حق تعالی مصنف سلمه الله را به عوض هر [بیت] بیّتی فی الجنّه عطا فرماید». (نتی میرزا، ۱۳۲۷ق ص. ۷)

#### ۴-۳ سید محمد علی صاحب داعی الاسلام

از چهره های شناخته شده اهل ادب و ایرانیان مقیم هند، سید محمد علی داعی الاسلام است، که در سال ۱۲۹۲ق در روستای نیاک از توابع لاریجان ایران به دنیا آمده و در سال ۱۳۷۰ق در حیدرآباد دکن دیده از جهان فرو بست. شخصیتی جامع الاطراف در هنر، ادب و فرهنگ نویسی، که خدمات شایان توجه ای به علم و ادب و فرهنگ ایران زمین در شبه قاره به نام وی به ثبت رسیده است. (انوشه، ۱۳۷۵ ص. ۱۱۴۵/ج ۴) آنچنان که در معرفی ایشان در این تقریظ، معرفی شده است، وی را «عمدة العلمای الاعلام، زبده الفضلاء الافخام، مرجع خواص و عوام، مبدأ مرام انام، جناب سمو القاب، سید محمد علی صاحب داعی الاسلام، صانه الله عن اسقام الايام، پروفیسر حیدرآباد دکن، ممبر پارلیمنت ایران» معرفی شده است. (نتی میرزا، ۱۳۲۷ق ص. ۸) در تقریظ داعی الاسلام بر سر مایه ریاض آمده است:

«بسمله؛ جناب معارف نصاب، ادیب اریب، آقا میرزا علی وفقه الله تعالی در این هفت بند به طرز خوب و اسلوب استادانه مرغوب سخن گفته و در این فضایل معصومین، خصوص حضرت ابوالائمة الطاهرین علیهم افضل الصلوات المصلین دُرّ معانی سفته است، به مضمون حدیث شریف من قال فی حقنا بیتاً بنی له فی الجنّه بیث ما شاء الله تعالی قصور و عمارات شاعر معرّز منشاء الیه، در بهشت بسیار است، خداوند مؤمنین را توفیق تحصیل چنین قصور عطا فرماید. احقر این هفت بند را به دقت دیدم، هر شعرش را مشتمل بر مضمون عالی یافتم و خلاف محاوره و اصطلاح فارسی ایران در آن نیست، وفقه الله تعالی فی مدح ائمة المعصومین سلام الله علیهم اجمعین». (نتی میرزا، ۱۳۲۷ق ص. ۸)

#### ۴-۴- احمد علی صاحب موهانی

احمد علی صاحب موهانی - بی - ای - سابق پروفیسر فارسی و عربی گنگ کالج شهر لکهنؤ بوده است، به عنوان متخصص زبان فارسی در خصوص سروده میرزا علی اظهار نظر نموده است، شگفت انگیز است که در یک سنجش و نظریه اغراق گونه ای هفت بند میرزا علی را از شعر محتشم نیز برتر دانسته است:

«جناب بنده، نسخه سرمایه ریاض را که آن جناب به این نیازمند ارزانی فرموده، بالاستعیاب خواندم الحق که جناب حکیم میرزا علی دام فیضه در نظم لالی مضامین، داد فصاحت داده، مخفی نیست که بر شعر استادی شعر گفتن کاری است بس دشوار، لاکن مصنف این نظم دلپذیر، مضامین خود را از مضامین محتشم کاشی امتیازی خوب داده، بل در بعضی جاها در نظر این خاکسار گوی سبق ربوده است» (نتی میرزا، ۱۳۲۷ق ص. ۸)

و جالب تر این که این متخصص ادب فارسی در هند، این چنین می دانسته است که اگر تک تک ابیات هفت بند میرزا علی را با سروده محتشم مقایسه شود، مطالب زیادی قابل عرضه خواهد بود:

«بر ارباب ذوق پوشیده نباشد، اگر ضیق وقت بالغ نبودی، هر آینه هر یک شعر سرمایه ریاض را با شعر محتشم کاشی موازنه کرده، تقریظ بسیط می نوشتم، رجا که این نظم دلپذیر را هم آن قبول بهم رسد که هفت بند کاشی را حاصل است و مصنف ممدوح را از سرکار

یدالله صله ای گران مایه مرحمت شود، والسلام خیر ختام، احقر العباد احمد علی موهانی  
- بی - ای سابق پروفیسر فارسی و عربی گنگ کالج لکهنؤ، مورخ ۲۸ اکتوبر سنه ۱۹۱۱م»  
(ننی میرزا، ۱۳۲۷ق ص. ۸)

لازم به ذکر است از سید احمد علی موهانی آثار دیگری نیز شناخته شده است که در  
کتاب تألیفات مؤلفین شیعه در شبه قاره هند معرفی شده است. کتاب تصدیق رسالت عقاید  
اردو تألیف سید احمد علی موهانی در شهر لکهنؤ هند، به سفارش انجمن مؤید الاسلام  
مدرسه الواعظین و در مطبعه صفدر پریس، به چاپ رسیده است، در این کتاب سخنان گوتما  
بده در باره پیامبر (ص) ذکر شده است. (نقوی امروهی، ۱۳۸۴ش ص. ۲۰۰)

#### ۴-۵- سید محمد لایق امروهی

سید محمد لایق حسین قوی، که به در عرصه رقابت زمرد رقم و در عرصه شعر به لقب فخر  
الشعرا و بلیغ الملک شناخته می شده است، در خصوص سروده میرزا علی، سروده ای که  
هم به عنوان قطعه ماده تاریخ محسوب می شده است و هم در بردارنده نقطه نظرات ایشان در  
جایگاه تقریظ می باشد عرضه نموده است:

ای مرحبا وی حبذا، مرزا علی پاک دین

هر شعر این بیت الغزل، هر مصرع این بی بدل

در نقطه نقطه نکته ها، [هر] نکته های مدعا

این مدح شاه بحر و بر، فرمانروای خشک و تر

این مدح سلطان نجف، فخر رسولان سلف

این مدح همانم خدا، خیبر گشا مشکل گشا

این مدح دارد این اثر، باشد به جنت راهبر

در فکر سالش ای قوی، چون مبتلا شد قلب ما

ارشاد فرمودی عجب، مدح امیر المؤمنین

هر لفظ کان مدعا، هر حرف حرف دلنشین

مجموعه فیض و صفا، نظم شما شد بالیقین

سلطان هر جن و بشر، بازوی ختم المرسلین

دارای اقلیم شرف، و استاد جبریل امین  
وجه نزول «انما»، داده نه جای آن و این  
مسدود شد راه سقر، هان «فادخلوها خالدین»  
از «مظهر عزّ و علا»، ظاهر شده تاریخ این

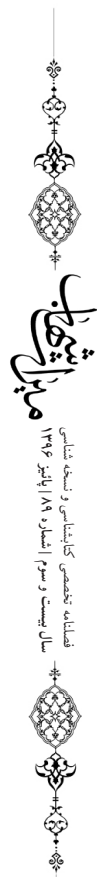
آنچنان که در این قطعه تاریخ منظوم مشخص گردیده است، تاریخ سرودن این قطعه سال  
۱۳۱۹ ق است، در تاریخ سرایش این هفت بند آورده شده است. (نتی میرزا، ۱۳۲۷ ق ص. ۸)

### ۵- نویافته پژوهش

و اینک هفت بند سرمایه ریاض که جوابیه ای است در اقتضای هفت بند میرزا حسن کاشی از  
میرزا علی روضه خوان تبریزی برای نخستین بار مورد تحقیق و پژوهش قرار می گیرد.

#### بند اول

السلام ای نفسِ تو، نفسِ رسولِ العالمین  
کان امکان، نور سبحان، مصطفی را جسم و جان  
از تو ارباب طریقت راست پیدا، راه راست  
نوح را از تو نجات و از تو یونس را خلاص  
کرده مدح ذات یکتایت، خدا و مصطفی  
بلبلان خلد اندر باغ مدحت نغمه خوان  
حق توصیف رحیمی تو، می باید شنید  
نیکی اعمالتان چندان که از تحریر آن  
بهر پاداری ز لغزش بر سر راه صراط  
در جهان عزّت یک ذره مقدار جهان  
پشت بام لامکان صحن مکان را مکان  
در حقت هر آینه طاهاست روشن آیتی  
هست هستی تو وجه هستی دنیا و دین  
قطب تمکین مقتدای دین امیر المؤمنین



فصلنامه تخصصی کاتبین نامی و نسخه شناسی  
سال بیست و دوم | شماره ۱۸ | پاییز ۱۳۹۴

آن تویی کت خوانده پیغمبر امام راستین  
 ای معین مرسلان و نفس خیر المرسلین  
 خوانده لالایی طفلان تو را روح الامین  
 طایران سدره از گلزار قدست خوشه چین  
 از لسان کبریا یا رحمه للعالمین  
 خسته گردد دست و بازوی کرام کاتبین  
 نسبت در دست هر مؤمن بود حبل المتین  
 در سماء رفعت این آسمان عکس زمین  
 پایه اش در پایه برکسی بود کرسی نشین  
 هر مبین از سوره ی یاسین بود نقش مبین  
 آن که وجه هستی آدم رسول الله بود  
 مدح خوانش هم خدا و هم رسول الله بود

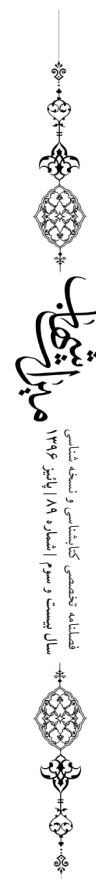
### بند دوم

ای که در امکان نداند، شأن شایان تو کس  
 در لیالی گر نه از صدق ولایت دم زدی  
 حاصل بخت سلیمان بابرومندی تو  
 گرنه جاروب درت، گشتی بگشتی تا ابد  
 اندکی وصفت فراوان می جهانند از سرور  
 هم تک رخس تو این برق جهنده کی شود  
 وارهد ای شیر حق، مانند سلمان وارهد  
 کاروان صولت وجاه تو را بر هر قدم  
 قطره دریای نور توست دریایی که آن  
 مرغ جان دیوار از ترس باز تیغ تو  
 جلوه خورشید و ماه و نور نعلین تو را  
 شان شایان تو باشد حاصل امکان و بس

صبح صادق داشتی، حاشا مجال یک نفس  
 پیش انبار جواهر دانه خُرد<sup>۱</sup> عدس  
 بال اقبال همایی، قدر چون بال مگس  
 خون دل فوق جبین و نبض دل تحت مجس  
 چون خیال پیش رو هم مانده منزل ها ز پس  
 گر کند از دل به بند بی کسی یاد تو کس  
 «طرقوا» گویان به پیشاپیش آواز جرس  
 بر لب ساحل هلال و مهر دارد خار و خس  
 هر دم از حُقن نفس کرده قفس اندر قفس  
 تیغ تو برق و هژیر عرصه هیجا فرس  
 فتح بر نامش بود کو گوید اندر کارزار  
 لافتی الآ علی لاسیف الآ ذوالفقار

### بند سوم

ای ز تو کان طلا و سیم و زیور یافته  
 فیض رنگ از رنگ فیض توست چون عکس شفق  
 در مصیبت یونس و نوح و سلیمان و خلیل  
 بر فرازد در نشیب از آب و تاب پرتوت  
 نقش نامت آنچنان کز او سلیمان عزّ و شان  
 کیست همشأن تو شاهها بر فراز برتری  
 از گدای درگهت هرکس که حاجت خواست یافت  
 حضرت روح الامین ناید دگر سوی زمین  
 ذره خاک رهت در دیده اهل نظر  
 چشم هر بینا به دریای جلال پایه ات  
 در خور دست زبردست خدا شمشیر یافت  
 ساقی کوثر تویی در گرم بازار حساب



نقشنامه تخصصی کتابشناسی و نسخه شناسی  
 سال بیست و سوم | شماره ۱۸ | پاییز ۱۳۹۴



سایه بال هما هم بذل افسر یافته  
 سرخرویی ها ز تو دریای احمر یافته  
 یافته هر کس تو را حاجت برآور یافته  
 تاب اختر یافته گر آب گوهر یافته  
 گو فزون تریافته هم باز کمتر یافته  
 برترت او یافته کو شان برتر یافته  
 یافته هر کس گدایت را توانگر یافته  
 زان که فرط بی پری جرح شهپر یافته  
 آبروی گوهر دریای اخضر یافته  
 چرخ نیلی را چو نیکو خر شناور یافته  
 لایق عقدت رسول الله دختر یافته  
 ای خنک آن کس تو را ای میر کوثر یافته  
 هستی این آفرینش را تو را داند سبب  
 گر بود ز اهل عیال و گر بود ز اهل عزب

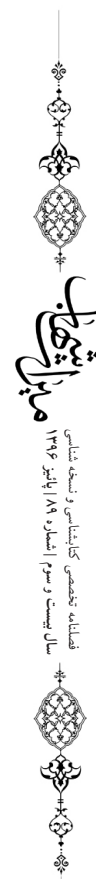
### بند چهارم

ای که دین را آفتابی از بیان مصطفا  
 صرف بهر حرف مدح توست ای والاگهر  
 در بیان وصف ذات ای شه والاصفات  
 در حضر هم در سفر در خاطرت هر دم رسول  
 از تو باغ نصرت دین می کند حاصل بهار  
 چون نبارد بارش سرهای کفاران که هست  
 سالک راه طریقت ره به منزل می برد  
 کی عجب باشد اگر بعد نبی باشد که بود

حق توصیف تو زین کج معج زبان آید نه راست  
 نیک می دانی که ز آبای سلف تا این خلف  
 پرتو لطفی بیندازد<sup>۱</sup> چو حسّان در جان  
 ای که تو آئی که هر آئی ز تو گشته فزون  
 ز آب و تاب روی تو روشن جهان مصطفا  
 گوهر پرجوهر درج دهان مصطفا  
 همزبان گشته است قرآن و زبان مصطفا  
 چون تو ممکن نیست در امکان مکان مصطفا  
 از تو رنگ و بو ستاند بوستان مصطفا  
 جوهر تیغ تو ابر آسمان مصطفا  
 زان که این جاده رسد بر آستان مصطفا  
 تحت فرمانت زمانه در زمان مصطفا  
 در خور وصف تو می زبید زبان مصطفا  
 بوده ام مدحت سرای خاندان مصطفا  
 جانفزا گردان کلامم را به جان مصطفا  
 قوت روح روان، تاب و توان مصطفا  
 زین جهت بیرنگ گردیده است رنگ روی من  
 گردش گردون دون حلقه زده هر سوی من

### بند پنجم

ای ثنا خوانده خدایت یا امیر المؤمنین  
 ملک های کشور آریان [را] مسخر یافته  
 آبیاری ریاض هر دو عالم را بس است  
 دم به دم باقی است تازه کو به جان افزون کند  
 دیده موسی هر آنچه دیده بوده پرتوی  
 شد کلام مدح خوانت صورت قرآن شریف



نارجیل آسمان هر نصف آن با اوج و شان  
 پیش عقل عقل کل ناممکن اندر ممکنات  
 من نمی گویم ز ترس کفر می گویم ولی  
 گوهر دریا، زرِ گل ، لعل جان و نقد جان  
 فوج آرای فلاطونی شود پامال اوج  
 اندرون پرده قدرت دمی گردیدمی  
 برگزیده مصطفایت یا امیر المؤمنین  
 صارم کشور گشایت یا امیر المؤمنین  
 قطره ابر عطایت یا امیر المؤمنین  
 شغل وصف جانفزایت یا امیر المؤمنین  
 از رخ جلوه نمایت یا امیر المؤمنین  
 از بزرگی ثنایت یا امیر المؤمنین  
 هست کشکول گدایت یا امیر المؤمنین  
 فهم ذات کبریایت یا امیر المؤمنین  
 فرقه ای گوید خدایت یا امیر المؤمنین  
 از عطایت وز سخایت یا امیر المؤمنین  
 رایت آراید چو رایت یا امیر المؤمنین  
 گفتمی کان جاست جایت یا امیر المؤمنین  
 تا چه مقداری بود اقبال سر کار تو را  
 غیر ذات حق نداند حق مقدار تو را

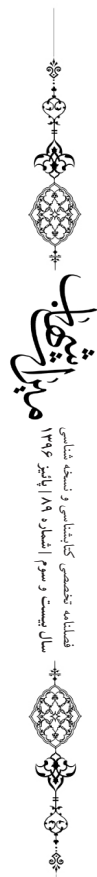
### بند ششم

ای همه عالم بلاگردان فرمان شماست  
 آفتاب ضو فگن عکس ترنج پیرهن  
 جمله مهمان شما از انس و جن حور و ملک  
 از حضيض این زمین تا رفعت عرش برین

«نفسک نفسی» و «لولاک لما» گوید چنان  
 درخور دربارنی دربارتان نی بوده نی  
 نیست چون شان خدا گویا ز هم شأن خداست  
 با وجود علم دفتر خانه لوح و قلم  
 رفعت سقفش ندانم این قدر دانم ولی  
 گرچه دریاها گهربار و به دریاها مگر  
 کشور این هند را شهری بود کهماچ نام  
 داروی عیسی بن مریم کی به دردش می خورد  
 زین جهت این دور دوران دوردوران شماس  
 وین هلال عید ما عکس گریبان شماس  
 وسعت هر دوجهان یک گوشه خوان شماس  
 هرچه بودوهست وباشد تحت فرمان شماس  
 خلقت ارکان خلقت نفس ارکان شماس  
 بلکه رضوان کمتر از دربان دربان شماس  
 زان که از شان خلاق بس فزون شان شماس  
 عقل کل طفلی ز اطفال دبستان شماس  
 اوج فوق عرش تحت فرش ایوان شماس  
 ابر نیسان قطره باران احسان شماس  
 میرزا در آن به جان و دل ثناخوان شماس  
 در خور درد دلش گر هست درمان شماس  
 در بر درمان به پنهان درد نتوان داشتن  
 ظاهرا شوم است پنهان درد پنهان داشتن

#### بند هفتم

تا که شد مولود کعبه را در آن منزل مقام  
 حاکم شرع مبین مولای کلّ المؤمنین



نظامنامه تخصصی کتابخانه‌سازی و تسهیلات کتابخانه‌ای  
 سال بیست و سوم | شماره ۱۸ | پاییز ۱۳۹۴

سرور مالک رقاب و مالک یوم حساب  
 گر نبودی ذات پاک با کمال در جهان  
 از نشانت هر نشانی کو بود نصرت نشان  
 ليله الاسرى نبوده جز خدا بنده نواز  
 دولت یکدست شاهی را گدایی درت  
 پیش دست ذوالفقارت ای شه خبیر گشا  
 مهر عالمتاب را تابی که حاصل هست هست  
 ای ز تو دُر نجف هر خرده ای خرد و خزف  
 ادهم گردون گردان هم نجنباند قدم  
 از ازل هم تا ابد ای اول دنیا و دین  
 از ره حرمت نجف اشرف شد از بیت الحرام  
 هر دو عالم را امام و مالک دار السلام  
 منهدم فرمای شرک و قالع کفر و ظلام  
 صنعت خلق جهان بودی تماماً ناتمام  
 از گرامی نام تو نامی که بر آورده نام  
 اندر آن پرده که اواز تو را بوده مقام  
 بر زند هر گام پشت پا ز روی احترام  
 بهمن و رستم چه و بهرام رویین تن کدام  
 لمعه آن هم ز عکس ذره راه تو وام  
 وی ز تو یاقوت پخته ریزه ای خام زخام  
 بی رضایت ابلق ایام بردارد نه گام  
 اول مدح تو را آخر نباشد والسلام  
 پیروانت را رسد آواز از خلد برین  
 «طاب من واکم و طبتم فادخلوها خالدین»

\*\*\*



## نتایج پژوهش

ره آورد این تحقیق موارد زیر می باشد:

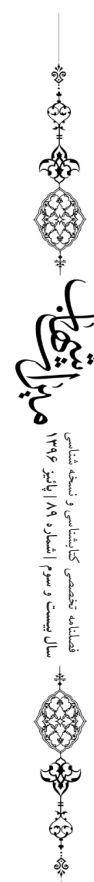
الف) یکی از جوایه های هفت بند مولانا حسن کاشی که تا کنون مورد شناخت و توجه قرار نگرفته بود با عنوان سرمایه ریاض، بازشناسی شده و با دقت و بازخوانی دقیق تر در عرصه ادب مکتوب معرفی گردید.

ب) یکی از سرایندگان ادب فارسی به نام میرزا علی روضه خوان تبریزی که اصالتا ایرانی و آذربایجانی است و در هند متولد شده و نشو و نما یافته برای نخستین بار مورد توجه و پژوهش قرار گرفته و به محققین عرصه ادب فارسی شناسانده شده است.

ج) به بهانه این تحقیق، شخصیت های نام آور و نخبگان فرهنگ شبه قاره که به گونه ای با عنوان تقریظ نویس و یا مهتم چاپ و غیره در این اثر مورد توجه و تحقیق و شناسایی قرار گرفته اند.

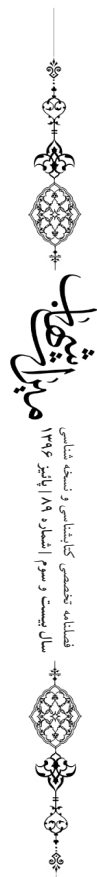
د) این تحقیق در حقیقت تحقیق و تصحیح هفت بند سرمایه ریاض است که در حد بازخوانی و شناسایی هرچه دقیق تر متن صورت گرفته است.

بدیهی است تحقیق ادبی و سبک شناسانه در این اثر در این مجال میسر نبوده و در مقالات بعدی ضرورت توجه به ویژگی های سبکی، صور خیال و اختصاصات ادبی و میزان نوآوری ها و چگونگی تأثیر پذیری شاعر از مولانا حسن کاشی بسیار ضروری می نماید امید است به لطف و عنایت الهی وجهه توفیق اینجانب یا دیگر محققین این عرصه قرار گیرد.



- انوشه، حسن. ۱۳۷۵. دانشنامه ادب فارسی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- پولو، مارکو. زمستان ۱۳۶۳. سفرنامه. رامین گلبانگ. تهران: انتشارات کوشش.
- سبعه سیاره در جواب هفت بند کاشی. مرادی رستا، ابوالفضل. ۱۳۹۲ش. ۱۳۹۲ش، میراث شهاب، صص. ۳-۲۳.
- صدر الافاضل، مرتضی حسین. ۱۳۷۴ش. مطلع انوار. محمد هاشم. مشهد مقدس: انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی
- صدراپی خویی، علی، مرادی رستا، ابوالفضل و ذبیحی فر، حجت. ۱۳۹۲ش. میراث مشترک ایران و هند. قم: انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی.
- صفوی، آذرمیدخت. ۱۳۹۳ش. مقدمه مصحح. راجی محمد کولوی. اخبار الجمال. دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی دانشگاه اسلامی علی نگر با همکاری مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی دهلی نو
- طریحی، محمد سعید. ۲۰۰۸. اعلام الهند. قاهره: انتشارات مکتبه مدبولی.
- قصه سنجان تاریخ فرضی مهاجرت پارسیان از خراسان به هند. ایرانی، م. س. آبان ۱۳۶۱. محمد باقری. آبان، چیستا، صص. ۲۶۸-۲۷۹. شماره ۳.
- کاشی، حسن؛ ۱۳۸۹ش. دیوان اشعار به کوشش عباس رستاخیز با مقدمه حسن عاطفی، تهران، مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ دوم.
- مشار، خان بابا. بی تا. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تا کنون. بی تا: مؤلف، بی تا.
- نصیری، محمد رضا ۱۳۸۷. ش. تعلیقات تاریخ فرشته. محمد قاسم بن غلامعلی. تاریخ فرشته از آغاز تا بابر. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر.
- نقوی امروهی، سید شهوار حسین. ۱۳۸۴ش. تألیفات شیعه در شبه قاره هند. قم: انتشارات دلیل ما.

نتی میرزا، علی بن مهدی علی. ۱۳۲۷ق. سرمایه ریاض. بمبئی : مطبع رحمانی،  
۱۳۲۷ق. به اهتمام اکبر حسین اکبر ابن صادقعلی.  
نوشاهی، عارف. ۱۳۶۹ش. فهرست کتاب های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه  
گنج بخش. لاهور: انتشارات مکتبه علمیه.  
نوشاهی، عارف. ۱۳۹۱ش. کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره. تهران:  
انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب لاهور.  
هندی، سعید. ۱۳۸۸. هفت بند هفتاد بند. چاپ اول. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد  
مجلس شورای اسلامی.



فصلنامه تخصصی کتابشناسی و نسخه شناسی  
سال بیست و سوم | شماره ۱۸ | پاییز ۱۳۹۴